

## تأثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهضت مشروطه در لرستان

(۱۲۸۵-۱۲۹۳ش)

منصور رهنورد<sup>۱</sup>

### چکیده

با پیروزی نهضت مشروطه، مردم لرستان به مانند تمام مردم ایران انتظار داشتند که با اقدامات دولت و مجلس مشروطه شاهد بهبود اوضاع زندگی خود باشند، اما این بهبود هرگز اتفاق نیفتاد. علل زیادی برای ناکارآمدی مشروطه در ایران ذکر می‌شود، ولی دلیل آن هر چه بود آثار مثبت زیادی برای لرستانیها نداشت و حتی تأثیرات منفی آن بیشتر بود. مردم لرستان اگر قبل از مشروطه به علت شرایط دیکتاتوری حاکم بر منطقه از امنیت نیم بندی برخوردار بودند، منطقه آنها بعد از شکل‌گیری حکومت مشروطه به هرج و مرج و بی ثباتی کامل تبدیل شد. اقتصاد هم به واسطه نبود امنیت رونق خود را از دست داد و دستبرد به کاروان‌های تجاری هر روز بیشتر می‌شد. مطمئناً وجود امنیت مهمترین مؤلفه پیشرفت در تمام زمینه‌ها به ویژه اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، پر واضح است که با وجود جو توأم با هرج مرج و عدم امنیت، حکومت مشروطه در این دو عرصه نیز نتوانست ارمغانی برای لرستان داشته باشد. بنابراین با اینکه مردم لرستان در به ثمر نشستن انقلاب مشروطه نقش مثبتی را ایفا کردند، اما این انقلاب تأثیرات مثبت ملموسی برای مردم نداشت. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از منابع دست اول صورت گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** مشروطه، لرستان، تأثیرات، عدم امنیت، اوضاع نامناسب.

## مقدمه

انقلاب مشروطه در ایران پیامد یک سری تلاش‌های دسته‌جمعی‌های گروهایی از مردم ایران برای دست‌یابی به عدالت، آزادی و حکومت قانون بود. این گروه‌ها که توده‌هایی از مردم را اعم از بازاری، روحانی، منتفدین ملاک، روشنفکر، و... در خود جای داده بودند، در سال ۱۲۸۵ ش موفقیت بزرگی را در به کرسی نشاندن خواسته‌های خود به دست آوردند که در تاریخ ایران و حتی آسیا کم‌نظیر بود<sup>(۱)</sup>. خواسته‌هایی که مهمترین آن تشکیل مجلسی برخواسته از رأی مردم برای تفویض بخشی از اختیارات پادشاه به دولت مورد تأیید نمایندگان مجلس بود.

مردم شهرهای ایران بعد از پیروزی انقلاب مشروطه انتظار داشتند اینک که حکومتی انتخابی بر سر کار است، بسیاری از مشکلات عمدتاً اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنان مرتفع گردد، اما اولاً بیشترین تأثیر عملی مشروطه بر شهرهای بزرگی همچون تهران، تبریز، اصفهان و شیراز و چند شهر بزرگ دیگر بود که البته بیشترین تلاش را نیز مردم همین شهرها برای تحقق مشروطه به انجام رساندند، ثانیاً با اینکه در شهرهای یاد شده تحولاتی در زمینه فرهنگی و افزایش سطح آگاهی مردم به وجود آمد، اما از لحاظ اقتصادی و معیشتی نتوانست حتی برای این شهرها نیز کار زیادی انجام دهد.

بنابراین در لرستان که موضوع بحث این تحقیق است، نهضت مشروطه عملاً نتوانست تحول عمده‌ای ایجاد کنند، با این وجود شکل‌گیری این نهضت اینقدر بزرگ، عظیم و غافل‌گیرکننده بود که تأثیرات مثبت و منفی هر چند اندک را در این منطقه بر جای گذاشت.

ناآشنایی مردم لرستان، عدم زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی برای شناساندن مشروطه و دور بودن از روند شکل‌گیری انقلاب مشروطه موجب گردید که عمدتاً جنبه‌های منفی این نهضت گریبان لرستانی‌ها را بگیرد، زیرا نتیجه مستقیم نهضت مشروطه خواهی مردم ایران در لرستان افزایش هرج و مرج و ناامنی بود. پژوهش حاضر در نظر دارد با واکاوی نهضت مشروطه در



لرستان تأثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این نهضت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

### نقش مردم لرستان در جنبش مشروطه

قبل از اینکه به تأثیر نهضت مشروطه بر لرستان پرداخته شود، ابتدا باید نقش مردم و گروه‌های مختلف را در این جنبش بررسی کرد. گروه‌های اجتماعی لرستان به مانند بیشتر مردم ایران تلاش کردند با ایجاد ساختار حکومتی جدید و دموکراتیک اوضاع اقتصادی، اجتماعی خود را بهبود بخشند.

بنابراین تجار و بازرگان لرستان، که به علت ناامنی منطقه، تجارت آنان با مشکل روبرو شده بود، از اولین گروه‌های بودند که در لرستان به نهضت مشروطه علاقه‌مند شدند، این گروه در سفرهای تجاری و سیاسی خود که در شهرهای تهران، خوزستان و همدان داشتند، با عناصر روشنفکر و رؤسای مشروطه‌خواه آشنا گردیدند. آنان در بازگشت به عنوان پیشگامان انتقال تفکر نوین محسوب می‌شدند (والی زاده، ۱۳۸۰: ۵۵۸).

تجار و بازرگان لرستان با تشکیل انجمنی، نقش اساسی در تبلیغ و حمایت از تفکر نوین آزادیخواهی داشتند. هر چند در ظاهر امر هدف از تشکیل انجمن ارتباط مردم با مجلس و حمایت از مشروطه بود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۵۰)، اما براساس گزارشی که در مجلس قرائت شده، هدف اصلی آنها از تشکیل انجمن تجار و بازرگانان در لرستان، ایجاد یک نیروی سومی بوده است که بتواند در سایه مشروطه خواهی منافع آنان را نیز تأمین کند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵ق: ۴).

انجمن مذکور با عنوان انجمن ایالتی خرم آباد با دوازده عضو و انجمن ولایتی بروجرد با شش عضو فعالیت می‌کرد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۵۴). از شرایط عمومی اعضای انجمن این بود که آنان



باید به زبان فارسی تسلط کامل داشته، حداقل سی سال سن داشته و در استخدام دولت نباشند.

آنان برای یک دوره‌ی چهار ساله انتخاب می‌شدند (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

دومین گروهی که در نهضت مشروطه در لرستان نقش داشتند، روحانیون بودند. از معروفترین روحانیونی که در این نهضت نقش محوری داشتند، می‌توان به شیخ عبدالرحمن لرستانی و سید محمد باقر امام جمعه اشاره کرد. شیخ عبدالرحمن تحت تأثیر اندیشه‌های استادش، آیت الله خراسانی به جنبش مشروطه‌خواهی پیوست و رهبری جنبش در لرستان را بر عهده گرفت (لرستانی، ۱۳۷۵: ۵۶۴).

سید محمد باقر امام جمعه هم که امامت جماعت شهر خرم آباد را بر عهده داشت، هر چند از نفوذ و اقتدار آقا محمد صادق، امام جمعه پیشین شهر برخوردار نبود، اما با فروش بخشی از اموال آقا محمد صادق، از جمله حسینه‌ای که محل جلسات انجمن بود، به مشروطه خواهان کمک کرد (همان جا).

در مقابل روحانیون مشروطه خواه، روحانی ضد مشروطه‌ای به نام حاج سید ضیایی دزفولی بود که به علت تبعیت از دستورات شیخ فضل الله نوری<sup>۲</sup>، به مخالفت شدید با مشروطه خواهان برخاست (همان: ۵۹۳-۵۹۴). بنابراین در میان روحانیون دسته بندی‌هایی ایجاد شد که آنان را به دو گروه مشروطه خواه و مشروعه خواه تقسیم کرد.

ظاهراً هدف اصلی روحانیون لرستان در جنبش مشروطه خواهی حمایت از بازرگان برای رونق اقتصادی بود. به این ترتیب که قبل از انقلاب مشروطه، سرمایه گذاری خارجی باعث از بین رفتن حرفه‌ها و صنایع محلی شد. بازرگان برای نجات از ورشکستگی شکایت خود را به علما بردند، علما نیز برای برقراری حکومت نیرومند ملی و رونق اقتصادی تلاش کردند. رونقی که باعث می‌شد خمس و سهم امام از طرف بازرگانان با اطمینان خاطر بهتری پرداخت شود (حائری، ۱۳۶۴: ۱۳۰). علما چون هدف جنبش را از میان برداشتن رژیم ضد مردمی و ضد



اسلامی می‌دانستند، پشتیبانی از جنبش مشروطه را با جهاد در راه خدا و اطاعت از امام غایب یکسان دانسته و مخالفت با آن را به منزله جنگ بر ضد امام می‌دانستند (همان: ۱۳۳).

اما بیشتر مردم لرستان از جامعه ایلی و عشایری لرستان بودن و قدرت در منطقه در اختیار رؤسای ایلات و عشایر بود. در واقع به هنگام ظهور مشروطه جز قدرت طوایف محلی لر، هیچ قدرتی در لرستان حکومت نمی‌کرد (صفی نژاد، ۱۳۸۱: ۶۳۴).

بنابراین با توجه به روحیه غارتگری رؤسای ایلات و عشایر لرستان، طبیعی بود که هنگام جنبش مشروطه آنان با این جنبش رفتاری دوگانه داشتند؛ به طوری که هرگاه سود و منفعت رؤسا تأمین می‌شد، از مشروطه جانبداری می‌کردند و در غیر این صورت به مقابله با آنان می‌پرداختند. نظر علی خان طرهانی از نخستین خوانینی است که در نامه‌ای به شیخ عبدالرحمان لرستانی هواداری خود را از جنبش مشروطه اعلام می‌دارد (روزنامه یادگار، ۱۳۲۹ق: ۴)، از سوی دیگر بعد از شکست نیروهای سالارالدوله از محمدعلی شاه، در سال ۱۲۸۶ش، نیروهای لرستان به سرکردگی همین نظرعلی خان طرهانی به اردوی عین الدوله، از سران استبداد، برای سرکوب مشروطه خواهان تبریز ملحق می‌گردند<sup>۳</sup> (معمدی، ۱۳۸۲: ۲۰۳). در چرخشی سه باره همین خان برای اینکه مالیات حوزه‌ی خود را به حاکم منطقه، نظام السلطنه مافی، پرداخت نکند در نامه‌ای به مجلس ملی تازه تأسیس، حمایت خویش و دیگر سران ایلات لرستان را از مشروطه اعلام می‌دارد (روزنامه مجلس، ۱۳۲۶ق: ۲ و ۳) با اینکه فریدون آدمیت در کتاب خود «ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران» اقدام رؤسای ایلات و عشایر لرستان را ستایش می‌کند (آدمیت، ۱۳۵۷: ۳۵۴)، اما پر واضح است که حمایت رؤسای ایلات و عشایر لرستان چیزی جز جستجوی منافع خود نبوده است، منفعی که مهمترین آن فرار از پرداخت مالیات به حاکم دست نشانده حکومت مرکزی، یعنی نظام السلطنه مافی بود.

قشر عشایری لرستان نیز در آن زمان به شدت تحت تابعیت رؤسای ایل خود بودند، یعنی هرگاه رییس ایل تصمیم می‌گرفت به مشروطه خواهان بپیوندد، مردم نیز مشروطه خواه می‌شدند



و هرگاه همان رییس به علت نقصان در منابع خود بر ضد مشروطه قیام می‌کرد، مردم نیز با او همراهی می‌کردند. بنابراین جامعه ایلی لرستان بیش از آنکه بتواند تصمیم آزادانه‌ای در حمایت یا ضدیت با مشروطه بگیرند، خود را مکلف به انجام دستورات خان می‌دیدند.

### تأثیر سیاسی مشروطه در لرستان

از دیدگاه سیاسی، لرستان در دوره مشروطیت به کانون ناامنی برای ساکنین منطقه تبدیل شده بود. به طوری که ویلسن سیاح اروپایی در سفرنامه خود می‌نویسد: «اوضاع این منطقه بقدری متشنج و مختل گردیده که اعاده نظم و آسایش آن مستلزم یک سلسله اقدامات عمیق و بلند مدت می‌باشد» (ویلسن، ۱۳۷۴: ۲۹). همه جا صحبت از غارتگری، قتل و کشتار، ناامنی و هرج و مرج بود. تا جایی که احساس گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه نسبت به موضع موجود، چیزی جز ترس، دلهره، ناامیدی و نگرانی نبود. همان نویسنده می‌آورد: «..... عموم طوایف در حال حاضر نسبت به هم نگران و بدبین هستند و از گذشته دل‌تنگ و از آینده هم ناامید و مایوس‌اند و ....» (همان: ۳۲۹).

همان‌طور که در سطور فوق گفته شد، با توجه به اینکه جامعه‌ی لرستان در دوره مشروطیت جامعه‌ای کاملاً ایلی و عشایری بود، لذا قدرت برتر در منطقه در این دوره در ید اختیار رؤسای ایلات و عشایر بود. از طرفی چون رؤسای ایل هدفی جز منافع شخصی، حفظ قلمرو و گسترش آن نداشتند، سعی‌شان بر این بود به هر نحو ممکن این خواسته درونی را عملی سازند. بنابراین مشروطه، استبداد و هر مساله‌ای دیگر زمانی برای رؤسای ایلات و عشایر معنی و مفهوم داشت، که با منافع مادی، آزادی عمل و از همه بالاتر فرار از مالیات آنها مغایرتی نداشته باشد. با این وصف با توجه به ضعف حکام مشروطه و عدم توانایی در تأمین امنیت و جمع‌آوری مالیات، فرصت مناسبی در اختیار رؤسای ایل گذاشت که خواسته‌هایشان را در پرتو مشروطیت بدست آورند. نمونه بارز سوء استفاده رؤسای ایلات و عشایر از جنبش مشروطه خواهی در رفتار نظر



علی خان به عنوان نماد خوانین لرستان کاملاً مشهود بود. وی در دوره حکمرانی امیر مفخم بختیاری رابطه‌ای تنگاتنگ با حاکم وقت برقرار کرد و به عنوان پشتیبان مشروطه شعارهای مدافعه جویانه سر داد (ساک، ۱۳۴۶: ۲۴۷)، اما همین که خبر حمله سالار الدوله برای سرنگونی دولت مشروطه زمزمه شد، وی پا در رکاب شاهزاده قاجاری گذاشت و تنها چیزی که برایش اهمیت نداشت حمایت از مشروطه بود (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰: ۴۵۱). به طوری که ویلسن می‌نویسد: «نظر علی خان فتح السلطان یکی از خوانین منتفذ این ناحیه است که مدتهاست از هرج و مرج و اغتشاشی که در این کشور حکمفرماست استفاده نمود، و پرداخت مالیات املاک وسیع خود را به تعویق انداخته است...» (ویلسن، ۱۳۷۴: ۲۰۵).

نکته جالب اینجاست که مفهوم مشروطه برای مردم عادی لرستان اسم بی‌مسمایی بود به همین علت شاید جزء افراد روشنفکر، شامل بازرگانان و تجار، علما و روحانیون و بعضی از فرزندان اشراف اکثریت مردم از کم و کیف آن آگاهی نداشتند. یکی از نویسندگان اروپایی دوره قاجار در این باره می‌نویسد: «مشروطه به عقیده آنها دستگاهی است که در مقابل دولت و قانون اسلام بوجود آمده و مکرر من از بزرگان قبایل این حدود شنیده‌ام که می‌گویند مشروطه رو به ضعف نهاده و دولت مجدداً قدرت را در دست گرفته و بر اوضاع مسلط شده است و از همه مضحک‌تر اینکه گاهی از من سؤال می‌کنند که آیا حقیقت دارد که وکلای مجلس را عده‌ای بابی و بی‌دین تشکیل داده که از آیین اسلام انحراف جسته و مرتد گردیده‌اند؟» (همان: ۳۲۴-۳۲۵) با این وصف می‌توان گفت خوانین سودجو از ناآگاهی مردم استفاده کرده و لرستان را به منطقه‌ای ناامن، توأم با ترس و غیر قابل پیش‌بینی مبدل کردند.

متأسفانه رقابت‌های سنتی میان ایلات و عشایر جنوب غرب کشور، که به دلیل تعصبات قومی و قبیله‌ای بیشتر به فکر گسترش قلمرو و چپاول صورت می‌گرفت، باعث شد، رؤسای ایلات و عشایر این مناطق از تحولات فرامنطقه‌ای غافل باشند، و از آن نقش پررنگی که بختیارها در جنبش مشروطه خواهی ایفا کردند، عقب بمانند. از طرفی جو سیاسی این دوره و به عبارت



بهتر در سالهای پایانی آن، بی‌تأثیر از سیاست‌های روس و انگلیس در منطقه لرستان نبود. طبق قرارداد ۱۹۰۷ م. که به تقسیم ایران منجر شد، مرکز ایران منطقه‌ای بی‌طرف شناخته شد (همان: ۲۰۵) (۴). از آن زمان به بعد نمایندگان روس و انگلیس منطقه لرستان که جز مناطق بی‌طرف بود به کانون رایزنی خود با رؤسای ایل و عشایر در آوردند، و با دادن القاب و هدایا سعی می‌کردند آنها را در جهت منافع خود جلب کنند. حمایت‌های بیش از حد روسها از رؤسای بیرانوند و ملاقات‌های ویلسن، نماینده دولت انگلیس با نظر علی خان طرهانی نمونه بارز این رایزنی‌ها در منطقه محسوب می‌شد. نتیجه این رایزنی‌های مزورانه چیزی جز ایجاد رقابت میان ایلات منطقه و سرگرم کردن آنها به درگیری‌های خونین و فرسایشی نبود.

البته انگلیسی‌ها به اهمیت منطقه لرستان به عنوان منطقه بی‌طرف پس از قرارداد تقسیم ایران در سال ۱۹۰۷ م پی برده بودند، به همین دلیل می‌خواستند به هر طریقی با نفوذ در میان رؤسای ایلات این منطقه جلوی خطرات احتمالی از سوی رقیب خود یعنی روسیه را بگیرند. ظاهراً روسیه هم می‌خواست مناطق بی‌طرف را در اختیار بگیرد و از آن مناطق به انگلیس فشار بیاورد. ویلسن در این باره می‌نویسد: « این قسمت از کشور ایران از نقطه نظر سیاسی منطقه بی‌طرف است. ما و روسها هر دو می‌توانیم در این نواحی آزادانه رفت و آمد کنیم و منافع تجاری خود را توسعه دهیم. چون امتیاز نفت در دست انگلیسها است لازم است نگذاریم به مخاطره افتد و نفوذ روسها به جنوب کشیده شود یا به وسیله تجارت یا به وسیله راه آهن» (همان جا).

### تأثیر اقتصادی مشروطه در لرستان

مهمترین هدفی که گروه‌های مختلف اجتماعی لرستان بخصوص بازرگانان و روحانیون به حمایت از مشروطه خواهی کشاند، انگیزه اقتصادی بود، زیرا آنها فهمیده بودند که سوء مدیریت‌ها ناشی از رفتار شاهزادگان قاجار، فرصت طلبی رؤسای ایلات و عشایر و حمله به کاروانهای تجاری که در مسیر تهران- خرم‌آباد به سمت جنوب در حال تردد بودند، عامل





اصلی رکود اقتصادی در منطقه است. این گروه‌های اجتماعی با امید به اینکه دولت مشروطه بتواند به این نابسامانی‌ها پایان دهد، هواخواهی خود را از دولت مشروطه اعلام داشتند، اما با روی کار آمدن حکام مشروطه، به علت ضعف و ناتوانی آنها و در اختیار نداشتن قوه قهریه برای تأمین امنیت و گرفتن مالیات، نه تنها به آرزویشان نرسیدند، بلکه مشکلاتشان مضاعف شد. حکام مشروطه برای دو هدف اصلی خود یعنی تأمین امنیت و گرفتن مالیات چاره‌ای جز تعامل و مماشات با رؤسای ایل و عشایر بعنوان قدرت برتر منطقه نداشتند. این تعامل باعث شد، رؤسای ایل برای گرفتن مالیات فشار بیشتری به مردم بیاورند، از طرفی چون یک سیستم نظارتی نبود که بر کار مالیات بگیران نظارت داشته باشد، این فشار دو چندان می‌شد، و کشاورزان چاره‌ای جز از دست دادن شغلشان و ترک منطقه نداشتند. نتیجه این اقدام چیزی جز فقر و بدبختی نبود. به طوری که ویلسن در این باره می‌نویسد: «... نه فقط مردم شهرنشین در فقر و مسکنت بسر می‌بردند، بلکه گاهی مورد حمله اشراار یاغی و تمرد واقع شده و اموال و اثاثیه آنها به تاراج می‌رفت» (همان: ۱۸۰).

از طرفی نیز رؤسای ایل و عشایر همان طوری که بیان شد، بعنوان قدرت برتر منطقه که لرستان را بین خود تقسیم کرده بود، برای گسترش این قلمرو به دیگر طوایف حمله می‌کردند تا از مراتع بیشتر و فضای بازتر استفاده کنند، این اقدام به مهاجرت یک طایفه یا ایلی به نقاط دیگر به صورت دسته جمعی منجر می‌شد و نتیجه آن فقر، بدبختی و ویرانی و به دنبال آن گسترش ناامنی در منطقه بود. همان نویسنده در مورد ویرانی خرم آباد در این دوره آورده است که: « خرم آباد عبارت است از یک ناحیه خراب ..... هر ج و مرج و ناامنی و عدم نظم و آرامش یکی بلیات جانسوزی است که مردم این مملکت به آن دچار گردیده‌اند و مادام که برای اعاده نظم و آرامش و استقرار امنیت اقدامی به عمل نیاید، اهالی این کشور روی آسایش و خوشبختی را نخواهد دید» (همان: ۲۹۶).



وجود اشراار یاغی و راهزنان در دستبرد زدن به رمه‌های مردم و حمله به کاروان‌های تجاری از مسیر تهران- خرم آباد به سمت جنوب باعث از رونق افتادن اقتصاد دامپروری و حذف کاروانهای تجاری از مسیر خرم آباد شد. با حذف اقتصاد دامپروری و خارج شدن لرستان از مسیر کاروانهای تجاری درد و رنج مردم بیش از پیش گردید. ادموندز، از مأموران انگلیس که در سال ۱۳۳۶ ق وارد لرستان شده است، از فقر و بدبختی مردم لرستان به ویژه شهر بروجرد پرده برمی‌دارد، می‌گوید: «فقر به طرز وحشتناکی در این شهر حکمفرماست و خیابانها از مرد و زن فقیر موج می‌زند» (ادموندز و دوبد، ۱۳۶۲: ۹۸).

بطور کلی می‌توان گفت تنگدستی مردم در این دوره به حدی رسیده بود، که آنها مجبور می‌شدند تمام تلاش خود را معطوف به تأمین قوت روزشان کنند. نمونه این تنگدستی در ماجرای غارت کاروان لینیچ در خرداد ۱۳۳۳ هـ ق آشکار است، هر چند غارت کاروان لینیچ ممکن است دلایل دیگری داشته باشد، اما بی‌شک قحطی و گرسنگی و به دنبال آن نگرانی از آینده نتیجه دست زدن به چنین اقدامی از سوی برخی از مردم لرستان بود. والی زاده معجزی در این باره می‌نویسد: «شیطان به وسوسه آنها پرداخت و هر چند خواستند شیطان نفس آنها را آرام سازند و آن را پابند تعهدات خود سازند مقدور نشد و سرانجام و همان اشخاصی که متعهد حفظ قافله بودند ریخته و آن را غارت کردند» (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰: ۷۹). تأمین بخشی از هزینه لشکرکشی‌های سالار الدوله که به عهده رؤسای ایلات و عشایر لرستان بود و آنها نیز این هزینه را یا از طریق مالیات یا به نحو دیگری می‌بایست تأمین کنند، مشکلی دیگر بر مشکلات مردم بود، مزید بر آن، غارت روستاهای مسیر این قشون بخصوص روستای اطراف بروجرد که آثارش در داخل شهر نیز بیشتر نمایان می‌شد، زندگی فلاکت باری برای مردم آن سامان به وجود آورده بود. برخی از منابع به درستی می‌نویسند، با وجود این اوضاع چیزی تا آدمخواری برای مردم باقی نمانده بود (بروجردی آزاد، ۱۳۷۶: ۲۱۶).



با اینکه اوضاع اقتصادی لرستان در دوره مشروطیت اصلاً چشم انداز مثبتی نداشت، بعضی از مردم مناطق مختلف این ایالت وضعیتی به مراتب بدتر داشتند، آنان هیچگونه امکاناتی برای دفاع از حوزه قلمرو خود نداشتند و بیشترین جفا و بی‌عدالتی در حق آنها می‌شد، زیرا نه حمایتی از دولت مشروطه دیدند و نه در منطقه حامی داشتند، بلکه در یک محاصره‌ای بین مرگ و زندگی گرفتار بودند، که کسی به دادشان نمی‌رسید. نامه تعدادی از افراد طایفه کولیوند که در روزنامه صبح صادق در آذرماه ۱۲۸۶ هـ ش چاپ شده است، گویای این حقیقت می‌باشد:

« خدمت جناب آقای مدیر جریده صبح صادق. در روزنامه جات جناب مستطاب عالی گاهی ما حضرت الوار می‌بینیم از تمام ولایات اسم می‌برید و خیر عامه را می‌خواهی جز ماها بیچاره یک مشت مخلوق لرستانی اگر چه ذی حق می‌باشند. از بس ماها وحشی می‌باشیم، ماها جز ایران که سهل است جز مسلمانان هم تصور نمی‌فرمائید و حق هم دارید لیکن نمی‌دانید و نمی‌توانیم بگوییم به خدا قسم اگر هزار سال شرح بدهیم و از حالات خود بگوییم که چه ظلمها و ستمها بر شماها شده است و می‌شود کم گفته‌ایم. نزدیک به دو سال است شهرت دارد سلطنت مشروطه شده و اتصال در روزنامه می‌نویسند که ظلم برخاسته آنچه که بخواهیم عرض نمایم مثنوی هفتاد من کاغذ شود. یکی را روانه نمی‌نمایید که بدانید که حال ما چطور است، چه می‌کنیم، و بالهی قسم است آن حاکم که خیلی به ما مهربانی نموده یک تومان مالیات را دو تومان گرفته و آنکه بی‌دین بوده یک پول را ده پول و یک تومان را ده تومان. بعد از گرفتن پول مالیاتی، ماها را به هم اجاره داد و هی پول گرفته اگر بخواهیم شرح حال گذشته را بگوییم. باید یکی دو تا از مجلس محترم بیاید مستقیماً شرح حال ما را بشنوند. گذشتم از اینکه به سر ما چه گذشت. آخرای اولیای دولت، ای وکلای دولت، ای آنهایی که می‌گویید ماها می‌خواهیم ظلم را بر داریم ظلم را بر دارید، ای آنهایی که می‌گویید مشروطه درست کردیم، اولاً فکری هم به حال ماها نکنید، ماها هم مسلمانیم ماها هم ایرانی می‌باشیم. ماها هم جز دولت شما هستیم.



تا به حال سه عریظه به روزنامه مجلس مقدس و ندای وطن و جبل المتین نوشتم. عرض حال کردم. جواب ندادند. و در روزنامه جات نوشتند. آنچه می‌نویسند و می‌گویند روزنامه نویس غیرت دارد یعنی پول نمی‌گیرد پس چرا شرح حال ما را نمی‌نویسند. چرا صرف نظر می‌کنند چرا غیرت به خرج نمی‌دهند والهی ماها مردیم، تمام شدیم، خاصه امسال که بعد از آن همه خرابیها که سالار الدوله شاهنشاه خیالی نمود و پدر ماها را سوخت خوشوقت شدیم که حاکم تازه آمد. تلافی مافات می‌شود. رفع خرابی می‌نماید، ای هوارای خدا فریاد ای مسلمانان، ای مشروطه طلبان پدر ماها سوخت، آتش گرفتیم. جان ما در رفت. غیرت کجاست. همت کو، زن ما را .... مال ما را بردند، فراری شدیم، هیچی نداریم، غارت شدیم، بردند، خوردند، ای وکلای ملت، ای تماشاچی‌ها، ای روزنامه نویس‌ها، ای تهرانی‌ها، به خدا قسم عیال و عصمت همه ماها رفت هر چه داشتیم غارت شد. از یک محل کولیوند که خانه من است عوض پنج هزار تومان گرفته‌اند. قناعت نکرده‌اند سواره ..... بی دین را فرستادند به خدا قسم زنم را بردند خدا مرگم بدهد نمی‌دانم که چه بنویسم که چه کرده‌اند. محل اجداد خودم را با هزار طایفه ول کردم آدمم نهباند. پنج هزار تومان غارت شدم. تو را به دین و آیین و مذهب و ملت و مروت و مشروطه به دادم برسید. لرستان تمام شد غارت شد. اگر دروغ بگویم بر پدرم لعنت .... پدر سوخته‌ام ای اولیای دولت چهار نفر بفرستید، از حال ماها سؤال نمایند اگر شرح ماها را .... در روزنامه خود ننویسی غیرت نداری، مثل منی لرها به جهنم حکومت ماها را تمام کرد. قشون را هم گدا کرد، بی‌پاک کرد، مواجب نمی‌دهد. می‌گوید بروید مردم را غارت کنید. حکم‌ها کرده شرم هم نمی‌کند یک روز مواجب سوار و سرباز از لشکر نویس است که حرف نزنند با مأمورین دیوان می‌سازد که حرف نزنند مال مردم را می‌خورد. همین یکی از صاحب منصب را تحقیق کنید اگر دروغ بود همه عرضم دروغ است اگر اجازه بدهید بیایم تهران دو کروار مال لرستانی را بصورت بدهم والهی ده روزه است گریه می‌کنم. هر چه می‌خواستم عرض حاکم بکنم نتوانستم، آوردم این کاغذ را نوشتم که توی روزنامه بنویسید و وکلا همت کنند اگر تنها هم



نکردند به درد من لرستانی گرفتار شوند .... مهدی و محمد تقی و چنگیز و سایر کولیونداها» (روزنامه صبح صادق، ۱۳۳۲ق: ۲-۳).

### تأثیر اجتماعی مشروطه در لرستان

نامنی، هرج و مرج، تاخت و تاز ایلات و عشایر و هجوم راهزنان به قوافل در لرستان دوره مشروطیت باعث شد مردم منطقه وضعیت غیر قابل تحملی داشته باشند تا جایی که شیخ عبدالرحمان لرستانی رهبر مشروطه خواهان لرستان، در نامه‌ای به سپهدار اعظم در سال ۱۲۹۰ش که روزنامه جنوب آن را چاپ کرده است آمده: «پیشانی و هرج و مرج به حدی است که فقط به صورت فی الجمله انتظامی قانع و عرض نمی‌کنم، پست خانه نداریم، تلگراف خانه نداریم، دزفول به خرم آباد و طریق خرم آباد به بروجرد که مبنای تیغش و زندگانی افتتاح این راه است به کلی مسدود شده، بسته به همت اولیای اموراست» (روزنامه یادگار جنوب: ۸).

این نامه در حقیقت بیانگر شکواییه‌ای مؤدبانه از وضع موجود است که برای رهبر مشروطه خواهان لرستان غیر قابل تحمل است. وسعت خرابی‌ها در دوره مشروطیت به حدی بود که اندک امکانات اجتماعی که قبل از دوره مذکور وجود داشت، یا از بین رفت یا رها شد. تا جایی که این بار گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله بازرگانان و تجار و علما و اعیان شهر که سنگ مشروطه خواهی به سینه می‌زدند، سر خورده شدند و در یک اقدام مشترک و دسته جمعی اعتراض خود را نسبت به وضع موجود، به مجلس شورای ملی اعلام می‌کنند «الحال سه سال است که دولت مشروطه مجلس شورای ملی، مملکت قانونی شده است و در این مدت اولیاء امور توجهی به این صفحه ..... نموده و از ترکیبات جدیدی ابداء در این اثری بروز نکرد، سهل است، تأسیسات قدیم با کلی از میان رفته ..... اگر واقعاً لرستان را از ایران مجزا کرده‌اند، پس خوب است به ما اطلاع بدهند تا ما هم بفکر خود باشیم و حال تا زود است کاری به حال



این بیچارگان بنمایند که این یک مشت رعیت بدبخت از میان نروند، به امضاء جمع کثیری از علماء اعیان و تجار خرم آباد» (همان: ۷).

بنابراین مشروطه به هیچ روی نتوانست نیازهای اجتماعی مردم را بر طرف کند و حتی اوضاع را از قبل بدتر کرد. مردم از مشروطه انتظار داشتند مثل کشورهای دموکراتیک از عدالت اجتماعی، حق تحصیل، امنیت و رفاه برخوردار باشند، اما حکومت ناتوان مشروطه حتی برای پایتخت و شهرهای بزرگ نیز قادر نبود این خواسته‌ها را عملی کند چه رسد به شهر بحران زده و به دور از مرکز لرستان.

### تأثیر فرهنگی مشروطه در لرستان

لرستان در دوره مشروطیت از لحاظ فرهنگی در عقب ماندگی کامل به سر می‌برد. در این دوره انتظار می‌رفت به نسبت پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی فرهنگی در بعضی شهرها از جمله تهران، تبریز و سایر نقاط صورت می‌گرفت، در منطقه لرستان نیز تغییر و تحولاتی در این زمینه ایجاد شود، اما نه تنها این اتفاق نیفتاد، حتی فاکتورهای فرهنگی ولو اندک که در دوره‌های قبل وجود داشت، از بین رفت.

همزمان با این دوره ما شاهد تأسیس مدارس جدید، نشر کتاب‌های تازه، چاپ روزنامه‌های کثیرالانتشار، اعزام دانشجویان به خارج از کشور و اصطلاحات در زمینه رشد و توسعه دوایر دولتی در شهرهای تهران، تبریز، گیلان و ..... هستیم، (اقبال قاسمی، ۱۳۷۷: ۴۹۲)، اما لرستان در این دوره به دلیل ناامن بودن راه‌ها و دستبرد اشرار یاغی و راهزنان به کاروانهای تجاری که از تهران به سمت جنوب در محور خرم آباد در حال تردد بودند، بازرگانان و تجار به عنوان پیام‌آوران فرهنگی مسیر تجاری خود را عوض کنند، بنابراین ارتباط لرستان با تحولات صورت گرفته در سایر مناطق قطع شد. بدین ترتیب این مساله باعث شد لرستان نه تنها از لحاظ فرهنگی با دیگر مناطق تبادلاتی نداشته باشد، بلکه به جزیره‌ای محصور تبدیل گردد. از طرف دیگر، مشروطیت به حدی در لرستان تأثیر منفی داشت که حتی فرهنگ مهمان‌نوازی که خارجی‌ان از



آن به نیکی یاد می‌کنند، را تحت الشعاع خود قرار داد. بارون دوبد سیاح روسی درباره مهمان نوازی لرها می‌نویسد. «اغلب هنگامی که به چادر ایلیاتی‌ها (کوچ نشینان) نزدیک می‌شوی، زنانی را می‌بینی که برای مهمان‌گری به گیاهان خوشبو دم می‌کنند ..... من همیشه بخاطر مهمان نوازی‌های بی‌ریای آنها و بخاطر اینکه مرا از صمیم قلب می‌پذیرفتند، قدردانی می‌کنم و همیشه از آنها به نیکی یاد خواهم کرد. مهمان نوازی لرها خصلتی است که در اروپا به دست تمدن از میان رفته است» (دوبد، ۱۳۶۲: ۶۳). ولی با غارت کاروان لنینچ توسط طایفه بالا گریوه در جنوب خرم آباد علاوه بر عبور کاروان را تضمین کرده بودند، این فرهنگ مهمان‌نوازی و ارزشمند که صفات برجسته لرستانی‌ها بود و در منابع خارجی نیز از آن یاد شده بود، زیرا سؤال رفت. اگرچه همان‌طوری که بیان شد غارت این کاروان بیشتر به علت فقر اقتصادی بود، اما نباید به رواج فرهنگ غلط راهزنی و غارت در این دوره اشاره نکرد. هرچند که این فرهنگ مولد دوره مشروطه نبود و سابقه آن به گذشته بر می‌گشت، اما این دوره به علت مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگ، راهزنی به فرهنگ غالب مردم لرستان تبدیل شد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت، دستاورد دوره مشروطیت برای لرستان جز هرج و مرج، ناامنی و غارت چیز دیگری نبود. بنابراین مشروطه نه تنها دستاورد مثبتی نداشت بلکه به عقب ماندگی بیشتر لرستان در همه زمینه‌ها منجر شد. به عبارت دیگر انتظاری که از مشروطه می‌رفت، تأمین امنیت، جلوگیری از بی‌قانونی و ایجاد نظم و آرامش بود، اما نه تنها این آرزوها برآورده نشد، حتی اندک امنیت و آرامشی که وجود داشت نیز از بین رفت.

در زمینه سیاسی با توجه به اینکه در دوره مذکور قدرت در اختیار رؤسای ایلات و عشایر بود، آنان لرستان را بطور کامل بین خود تقسیم کردند، و برای حفظ این قلمرو و گسترش آن به هر وسیله‌ای از جمله غارتگری و قتل و کشتار دست می‌زدند، به طوری که ساکنین منطقه از این درگیری‌های شبانه روزی به ستوه آمده بودند، از طرفی سیاست تفرقه افکنانه حکام مشروطه



بین طوایف و ایلات و عشایر بخاطر ضعفی که در اداره منطقه داشتند، خود نیز مزید بر مشکلات شد تا جایی که منجر به حذف یک طایفه و مهاجرت آن به دیگر نقاط می‌شد که خود می‌توانست ضربه‌ای بر پیکره اقتصاد محلی و سستی منطقه داشته باشد. مضاعف بر آن به علت اینکه لرستان در دوره مشروطه یک منطقه بی‌طرف شناخته شده بود، هر کدام از دولت‌های روس و انگلیس از رؤسای ایلات و عشایر در جهت حفظ منافع خود با دادن القاب و نشانه‌های بالاتر از حد و اندازه آنها، تلاش داشتند در جلب نظر آنان، مطامع استعماری خود را در منطقه به کار گیرند. حمایت‌های بیش از حد روسها از طایفه بیرانوند و دیدار و ملاقات‌های ویلسن نماینده دولت انگلیس با نظر علی خان طرهانی، به کینه توزی، حسادت و رقابت بین ایلات و عشایر برای به دست آوردن بیشتر امتیازات داده شده از سوی این دو کشور، منجر شد.

در زمینه اقتصادی، به دلیل فشارهای مالیاتی خارج از نظم و نسق و اخذ چند برابری مالیات در سال از کشاورزان، باعث دلسرد شدن آنها و دست کشیدن از کسب و کار شد. در نتیجه آن، بخش کشاورزی به رکود گرایید، از طرفی وجود اشرار یاغی و دستبرد آنها به رمله‌های مردم و نیز غارت کاروانهای تجاری مسیر تهران به جنوب که در محور خرم آباد در حال تردد بودند، به رکود اقتصاد دامپروری و بازرگانی منجر شد. در آخر تأمین هزینه لشکرکشی‌های سالار الدوله و به دنبال آن خشک سالی‌های پیاپی، اقتصاد منطقه را به ورطه نابودی کشاند. نبود بهداشت، پایین بودن سطح دانش و از بین رفتن مکتب‌خانه، و ناامنی جاده‌ها باعث از بین رفتن فاکتورهای فرهنگی در منطقه شد.

از لحاظ اجتماعی نیز وضعیت منطقه بسیار اسفناک و غیر قابل تحمل بود، از بین رفتن امکانات دولتی، غارت اموال شهری توسط اشرار، تردد حیوانات در داخل شهرها، بخصوص شهرهای خرم آباد و بروجرد، باعث تنزل اوضاع اجتماعی مردم به پایین‌ترین درجه خود شده بود.





## پی نوشت

۱. تنها کشوری که قبل از ایران در آسیا به حکومت مشروطه دست یافت، حکومت سلطنتی ژاپن بود که البته این امر به صورت صلح آمیز و با واگذار کردن داوطلبانه بخشی از اختیارات امپراتور به مجلس صورت گرفت.
۲. شیخ فضل الله که ادعای شریعت خواهی داشت به دشمن شماره یک مشروطه در میان روحانیون مبدل گردید. این دشمنی شیخ باعث نزدیکی او دربار محمد علی شاه شد. طبق گفته‌ی احمد کسروی، وی هفت هزار تومان از دربار پول گرفته که در راه مقابله با مشروطه به کار برد. شیخ این پول را خرج طلاب و مردمی می‌کرد که به خانه او رفت و آمد داشتند. او علاوه بر خرج خورد و خوراک به هر کدام از طلاب چند قران هم پول می‌داد. در جلسات منزل شیخ فضل الله، او مرتب از مشروطه انتقاد می‌کرد و مردم را بر ضد این نهضت تحریک می‌نمود (کسروی، ۱۳۸۸: ۳۸۹-۳۹۰).
۳. محمد علی شاه بعد از به توپ بستن مجلس و کودتا در تهران، تصور می‌کرد رحیم خان و شجاع نظام و دیگر مستبدین تبریز با نیروهای زیر فرمان خود بر انقلاب تبریز به رهبری ستار خان پیروز خواهند شد، ولی چون از فرماندهان مزبور ناامید شد، عین الدوله را با اختیارات تام به همراهی سپهدار و نیروی بزرگ از سراسر ایران برای پایان دادن به مقاومت تبریز به آذربایجان فرستاد. عین الدوله پس از رسیدن به پیرامون شهر بار دیگر نمایندگانی برای مذاکره نزد ستار خان و باقر خان و سایر سران مجاهدین فرستاد. منظور او این بود که از راه گفتگو و مسالمت بر مجاهدین دست یابد و آنان را به تحمل رژیم خودسری و استبداد وادار سازد و ضمناً مذاکرات را آنقدر بکشاند تا واحدهای نیروی اعزام شده از پایتخت به تبریز برسند (شمیم، ۱۳۸۷: ۵۰۲). اما او نتوانست بر مجاهدین پیروز شود و بعد از حدود یک سال تهران به دست مشروطه خواهان فتح و محمد علی شاه از سلطنت خلع شد.



۴. کسروی در مورد مفاد قرارداد ۱۹۰۷ می‌نویسد: «نظر باینکه دولتین انگلیس و روس متفقا متعهدند که انتگریته و استقلال ایران را مراعات نمایند و محض آنکه صمیما مایل بحفظ نظم در تمام نقاط این مملکت و ترقی صلح‌آمیز آن می‌باشند و مایلند که برای تمام سایر ملل بالسویه حقوق تجارتی و صناعتی همیشه برقرار بوده باشد و چون هریک از دولتین مذکورترین بملاحظه ترتیب جغرافیائی و اکونومی (ثروتی) اهتمام مخصوص در حفظ امنیت و نظم بعضی ایالات متصله و یا مجاوره ایران بسرحد روس از یکطرف و بسرحد افغانستان و بلوچستان از طرفی دیگر دارند برای احتراز از هرگونه علل و اسباب حدوث اختلاف نسبت بمصالح خودشان در ایالات سابق الذکر ایران بموجب مدلول فصول ذیل با یکدیگر اتفاق نمودند.

فصل اول- دولت انگلیس متعهد می‌شود که در آنطرف خطی که از قصرشیرین از راه اصفهان و یزد و خلیج بنقطه‌ای از سرحد ایران منتهی و سرحد روس و افغانستان را تقاطع مینماید برای خود یا کمک عادی برعایای خود یا معاونت باتباع دولت دیگر درصدد تحصیل هیچگونه امتیاز پلتیکی یا تجارتی از قبیل امتیازات راههای آهن و سایر راهها و بانکها و تلگرافها و حمل و نقل بیمه و غیره برنیاید.

فصل دوم- دولت روس هم متعهد است که در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از راه قازبک و بیرجند و کرمان رفته ببندرعباس منتهی میشود برای خود یا کمک باتباع خود یا معاونت برعایای دول دیگر درصدد تحصیل هیچگونه امتیازات پلتیکی یا تجارتی از قبیل امتیازات راههای آهن و سایر راهها و بانکها و تلگرافها و حمل نقل بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت روس متعهد است که وجها من الوجوه بهیچ وسیله در اوقاتی که دولت انگلیس در مقام کمک بمطالبه این قبیل امتیازات در نواحی مزبوره برمی‌آید ضدیت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که در آنجا دولت روس متعهد است که در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید.



«فصل سوم- دولت روس متعهد میشود که بدون اینکه قبلا با دولت انگلیس مشاوره و تفهیمی شده باشد بهیچگونه امتیازی که برعایای انگلیس در نواحی ایران واقعه فی مابین خطوط مذکوره در فصل اول و دویم داده شود ضدیتی نکند و دولت انگلیس نیز بهمین نحو در باب امتیازاتی که برعایای روس در همان نواحی ایران داده شود متعهد است تمام امتیازات موجوده حالیه در نواحی مذکوره در فصل اول و دوم هم بحال خود برقرار خواهد بود. شگفتی این بود که در گفتگوی این پیمان آگاهی بدولت ایران نداده و نماینده‌ای از این کشور نطلبیده بود» (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۶۰-۴۶۱).

#### منابع

- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۷). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات پیام.
- آفاری، ژانت، (۱۳۷۹). انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- ادموندز، جانسیپیل، دوبد، بارون، (۱۳۶۲). دو سفرنامه درباره لرستان، ترجمه اسکندر امان الهی بهاروند و لیلی بختیاری، تهران: انتشارات آگاه.
- اتحادیه، منصوره، (۱۳۶۱). پیدایش تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، تهران: نشر گستره.
- اقبال قاسمی، پوریا، (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجار، با بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بروجردی، آزاد، (۱۳۷۶). «حسینی خزین شاعر گوشه‌گیر»، فصل نامه شقایق، سال اول، شماره ۱.

روزنامه مجلس، سال اول، شماره ۲۰۸، سال ۱۳۲۵ ق.

روزنامه صبح صادق، شماره ۱۸۶، سال ۱۳۳۲ ق.



روزنامه یادگار جنوب، همان سال، ش ۱۹.

ساکي، علي محمد، (۱۳۴۶). جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، خرم آباد: چاپخانه محمدی.

شمیم، علی اصغر، (۱۳۸۷). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات بهزاد.

صفی نژاد، جواد، (۱۳۸۱). لرهای ایران، تهران: نشر آتیه.

حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر.

لرستانی، نجم الدین، (۱۳۷۵). «آیت الله حاج شیخ عبدالرحمن لرستانی»، لرستان نامه، به کوشش فرید قاسمی، ج ۱، خرم آباد: انتشارات پیغام.

کسروی، احمد، (۱۳۸۸). تاریخ مشروطه ایران، تبریز: انتشارات آناس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). \_\_\_\_\_، تهران: امیر کبیر.

معمدی، امیر مسعود، «غائله سالار الدوله»، فصلنامه بررسی‌های تاریخی، سال سوم، ش ۳.

ویلسن، آرنولد، (۱۳۷۴). سفرنامه ویلسن، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات وحید.

والیزاده معجزی، محمدرضا، (۱۳۸۰). تاریخ لرستان در روزگار قاجار (از تأسیس تا کودتای

۱۲۹۹)، تهران: انتشارات حروفیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی